

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَعَلَى آلِهِ



سوالات حقوقی
طرح سهیمه بندی
بنزین آبان ۹۸



مقدمه

سوالات و پاسخ‌های زیر، مجموعه‌ای از شبهات، نگرانی‌ها و دغدغه‌های اقشار مختلف مردم من جمله جریان انقلابی و حزب اللهی‌ها است. این مجموعه از طریق نظرسنجی، رصد گروه‌های مجازی، پرسشنامه تلفنی و مصاحبه میدانی با اقشار مختلف، در گستره مراکز استانی و شهرهای درگیر اعتراض و اغتشاش، گردآوری شده است. بعد از جمع‌آوری، پیش‌فرض‌ها، مقدمات و مفروضه‌های هر سوال نیز استخراج شد. در کنار اینها سوالات مشابه نیز به در قالب یک سوال دسته‌بندی شد و همه به صورت فهرست زیر احصا و ارائه شده است.

سوالات احصا شده با محوریت مسائل سیاسی، در دو بخش کلی دسته‌بندی شده‌اند، بخش اول سوالات عمومی میباشند که صرفاً به اعتراضات طرح سهمیه بندی بنزین آبان ۹۸ اختصاص ندارند. بخش دوم سوالاتی است که صورت مستقیم به مساله بنزین ارتباط دارد که قسمتی از این سوالات ناظر به روند‌های قانونی و حقوقی آن می‌باشد و قسمت دیگر، سوالاتی است که راجع به بحث‌های میدانی و اعتراضات ناشی از اجرای طرح سهمیه بندی بنزین می‌باشد.

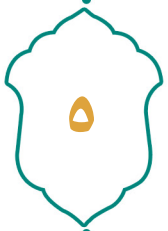
از این رو ضروری است که خواص، نخبگان، خبرگان، منتقدین و صاحبان خرد نسبت به پاسخ‌گویی به این سوالات اهتمام بورزند. امید است بعد از ارائه پاسخ‌های مختلف و



با جمع بندی آنها، بتوان جهاد تبیین را آغاز نمود تا فضای جامعه را در گام اول به سمت آرامش برد و بعد با روشنگری، شرایط تبدیل تهدید به فرصت برای استفاده بیشتر از ظرفیت مردم را فراهم نمود.

مرحله اول و ابتدایی جمع آوری پاسخ ها بعد از پایان یافتن شورش ها و آغاز تحلیل های کارشناسی توسط تحلیل گران سیاسی و اقتصادی، کلید زده شد. در یک نگاه کلی بعضی سوالات دارای چندین پاسخ از سوی جریان ها و افراد مختلف بودند. در این مجموعه که مرحله اول پاسخ ها می باشد، سعی شد تمامی پاسخ های جریان های سیاسی به صورت مختصر طیف بندی شود و به صورت دسته بندی شده ارائه گردد. بعضی پاسخ ها به نحو تفصیلی شرح داده شده و شماری نیز به صورت مختصر توضیح داده شده است.

این سوالات و پاسخ های آنها به شرح زیر می باشد:





سوالات عمومی

۱. آیا شورای هماهنگی اقتصادی قانونی است؟

پاسخ اول :

پاسخ اجمالی : تشکیل این شورا اساساً قانونی نیست. هدف از تاسیس این شورا «قانون‌گذاری» و دور زدن مجلس شورای اسلامی است. این امر خلاف اصل ۷۱ قانون اساسی می‌باشد؛ طبق این اصل هرگونه «حق قانون‌گذاری» اختیاری منحصر در مجلس شورای اسلامی است و در اصل ۱۱۰ قانون اساسی نیز وظیفه‌ای تحت عنوان «تفویض اختیار تقنینی مجلس به نهادی فراقوه‌ای» برای رهبر ذکر نشده است.

پاسخ تفصیلی : شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران سه قوه جایگاهی قانونی در

نظام سیاست‌گذاری کشور نداشته و عملاً در قانونی بودن مصوبه این جلسه (یا شورای) چند نفره اشکال است. استدلال اساسی این است که با ورود شورای عالی سران قوا به مباحث «تصمیم‌سازی» و «اجرایی» در واقع سازوکار رسمی و قانونی نظام دور زده می‌شود و اساساً کارکرد نهادی مجلس و سایر ساختارهای مرتبط بی‌معنا می‌گردد. نکته دوم این است که اساساً فلسفه تاسیس این نهاد جهت «هماهنگی» قوا برای تسریع و پیشبرد در اجرای تصمیمات بوده و نه اخذ تصمیماتی در سطوح بسیار بالای قانونی. و نکته سوم این است که رهبری در هیچ کجا فرمایشی مبنی بر مشروعیت بخشیدن به این نهاد برای ورود به حیطه تصمیم‌سازی و اجرایی نداشته‌اند. اینکه این نهاد بتواند به راحتی و بدون هیچگونه طرح توجیهی و سازوکار شفاف و گفتگو تصمیماتی را اخذ و برای اجرا ابلاغ کند اوج هرج و مرج زدگی در ساختار قانونگذاری کشور است که عواقب بلند مدت خطرناکی را در پی خواهد داشت.

باید پرسید آیا مجلس ناکارآمد می‌تواند توجیهی برای نهادهایی فراقانونی از این جنس باشد؟ این گزاره که مجلس «فشل» است، کاملاً صحیح است اما باید به دلایل آن توجه نمود. این دلایل عمدتاً «ساختاری» است. در اینجا و با تاسیس شورای سران قوا، به جای حل مشکل ساختاری مجلس، از روشی فراقانونی استفاده شده. روشی که مسبوق به سابقه است و شوراهای متعددی بر اساس آن، اختیارات تقنینی (قانونگذاری) یافته‌اند. نکته اصلی اینجاست که آیا این فرایند بخشی از «راه حل» بوده یا به تعویق انداختن مسئله اصلی؟ آیا این تعویق منجر به تشدید و تعمیق مشکل اصلی نشده؟ وقتی دائماً بهام دنبال پاسخ‌های کوتاه مدت باشیم، و راه‌حل‌های نهادی و اساسی را کنار بنهیم، طبیعتاً هیچ وقت نوبت



به اصلاح ساختار نمی‌رسد. مسأله ناکارآمدی مجلس را کارگزاری (و نه ساختاری) بدانیم، گمان می‌کنیم با ایجاد یک شورای فراقانونی می‌شود این مقطع زمانی را طی کرد تا در انتخابات بعدی نمایندگان بهتری انتخاب شوند و مشکلات را حل کنند! در حالی که اگر مشکل «ساختاری» انگاشته شود، راه حل آن بازنگری در فرآیندهای حاکم بر شکل‌گیری و تأثیرگذاری مجلس است و نه «شوراسازی». مشکل اصلی کشور در حال حاضر، طفره رفتن از پذیرش مشکلات ساختاری-نهادی متعدد و به تعویق انداختن حل اساسی آن با اقداماتی مقطعی است.

پس مطابق قانون اساسی قانون‌گذاری و تصویب بودجه سالیانه از اختیارات انحصاری مجلس شورای اسلامی است. رهبری نیز طبق قانون اساسی اختیار واگذاری حق قانون‌گذاری به نهادی غیر از مجلس شورای اسلامی را ندارد. هیچ بندی از مواد اصل ۱۱۰ قانون اساسی این اختیار را به رهبر نداده که نهادی فرای نهاد مجلس تشکیل و اختیاری ویژه به آن دهد. از این رو تشکیل «شورای هماهنگی سران قوا با حق قانون‌گذاری» و جاهت قانونی ندارد. تشکیل چنین نهادهایی و واگذاری چنین اختیاراتی با «حکم حکومتی» صورت می‌گیرد. برخی فقهای شورای نگهبان با تفسیر خاصی که از اصل پنجم قانون اساسی دارند، شان ولی فقیه را تا سطح امام معصوم بالا می‌برند و حکم حکومتی را قانونی و لازم الاجرا می‌دانند. چنین تفسیر و استدلالی «مبنای قانونی و حقوقی» ندارد و خلاف اصول دموکراتیک جمهوریّت است. پس هرگونه تصمیمی توسط هر نهادی غیر از مجلس که برآیند آن «قانون‌گذاری» باشد خلاف قانون اساسی و به تعبیری دور زدن مجلس شورای اسلامی است.

پاسخ دوم :

پاسخ اجمالی : این شورا قانونی است و تشکیل چنین شورایی در کشور و در شرایط جنگی سابقه دارد. اصل ۵۷ قانون اساسی هر سه قوه مقننه و مجریه و قضاییه را ذیل «ولایت مطلقه امر» تعیین کرده و بر همین اساس رهبری می‌تواند اقدام به صدور حکم حکومتی کند. از سوی دیگر براساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، بر عهده رهبری قرار داده شده است.

پاسخ تفصیلی : در زمانی که دشمن برای نابودی حکومت اسلام هجمه می‌آورد، هماهنگی خاص و ویژه‌ای در حاکمیت برای مقابله با آن نیاز است. در زمان جنگ تحمیلی، حضرت امام(ره) با وجود آنکه «شورای عالی دفاع» در قانون اساسی تعریف شده و از اختیارات مناسبی ذیل اصل ۱۱۰ برخوردار بود، اما به جهت آنکه جنگ را در آن زمان در رأس امور

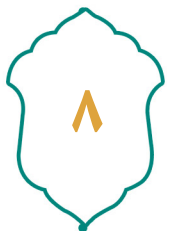


می‌دانستند با ابتکار اقدام به تشکیل «شورای عالی پشتیبانی جنگ» نمودند که ظاهراً هم در قانون اساسی یا قوانین عادی تعریف نشده بود اما ایشان، اختیارات زیادی را به آن شورا تفویض کردند، در حدی که در پاسخ به نامه رئیس وقت این شورا، مصوبات آن ولو با قانون تطابق نداشته باشد را تا پایان جنگ برای همه دستگاه‌ها لازم‌الاجرا اعلام نمودند.

دلیل اصلی تشکیل این شورا ناکارآمدی مجلس بعنوان روال اساسی تصمیم‌سازی در کشور است. در اینکه در کشور نیاز به اصلاح ساختار می‌باشد تردیدی نیست اما در شرایط بحران اقتصادی که در حال تبدیل به نارضایتی گسترده اجتماعی است و در شرایطی که ساختارهای رسمی (مانند مجلس) کارکرد خودشان را از دست داده‌اند، نمی‌توان سیستم تصمیم‌گیری برای نظام را با بن بست مواجه کرد و در این جا رهبری با رسمیت بخشیدن به شورای اقتصادی سران قوا کشور را از این بن بست خارج کرده‌اند. مکانیزم شکل‌گیری جلسه سران قوا قانونی است چراکه بر اساس حکم حکومتی شکل گرفته است و بنابراین در حکم قانون است. این ساختار مانند دیگر نهادهای بالادست سیاستگذاری کشور است و برای خروج از بن بست اخذ تصمیمات حساس، تشکیل شده است. همچنین برای مجلس ممانعتی جهت ورود به بررسی مصوبات و ریل‌گذاری اجرای صحیح و کارآمد آن نیز وجود ندارد.

در شرایط فعلی کشور که آمریکا با تشکیل اتاق جنگ اقتصادی به دنبال تسلیم نظام انقلابی است، شاهد بودیم که قوه مقننه از تعیین تکلیف برخی مسائل نظیر تعرفه‌های انرژی و نحوه جبران کسری بودجه و امثالهم به دلیل نزدیکی انتخابات خودداری می‌کند. قوه مجریه از نداشتن اختیارات کافی به فراقکنی روی آورده و قوه قضائیه از یک طرف برای برخورد با مفاسد تحت فشار است و از طرف دیگر اقدامات آن باعث تعطیل شدن کارخانجات خوانده می‌شود. این اختلافات در شرایط جنگ اقتصادی بی‌تدبیری در جبهه خودی است فلذا رهبر انقلاب هم با تشکیل «شورای عالی هماهنگی اقتصادی قوا» در شرایط جنگ اقتصادی درحقیقت اقدامی مشابه تشکیل شورای عالی پشتیبانی جنگ توسط حضرت امام در زمان جنگ را صورت دادند. فلذا آشکار است که اولاً وجود این شورا بدعت نیست بلکه مبتنی بر اختیارات ولی امر است.

بند ۷ اصل ۱۱۰ قانون اساسی «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه» را بر عهده رهبر انقلاب قرار داده و همچنین اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای سه‌گانه را زیر نظر «ولایت مطلقه امر» تعریف نموده است. فلذاست همان‌طور که حضرت امام (ره) فرامینی نظیر تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی پشتیبانی جنگ، دادگاه ویژه روحانیت و ... را صادر نموده و رهبر انقلاب هم بر اساس مفاد همین دو اصل به تشکیل شورای عالی فضای مجازی و اخیراً شورای عالی هماهنگی اقتصادی قوا اقدام نموده‌اند. پس برخلاف تبلیغات





ضدانقلاب، قانون اساسی تشکیل ساختارها و دستورات خاص ذیل حکم حکومتی را پذیرفته و قانونی می‌داند. ضمناً تشکیل این شورا قطعاً دور زدن جمهوریت نیست چون یکی از آنها نماینده مستقیم منتخب مردم و دیگری نماینده منتخب اکثریت نمایندگان مردم است و نفر سوم هم یک مجتهد طراز انقلاب است که او نیز از حمایت مردمی گسترده‌ای در آخرین انتخابات برخوردار بوده است و سایر اعضا هم منصوبین این منتخبین یا نمایندگان منتخب مردم هستند.

۲. اعضای تصمیم ساز شورای هماهنگی چه کسانی هستند؟ ساز و کار تصمیم سازی در شورای هماهنگی چیست؟ چگونه این روند شفاف می‌شود؟ آیا میتوان مطالبه شفافیت داشت؟

پاسخ اجمالی : اعضاء تصمیم گیر و تصمیم ساز شورای هماهنگی سران سه قوه، روسای سه قوه مجریه ، مقننه و مجریه هستند. البته از هر قوه افراد دیگری هم عضو شورا می باشند. دبیرخانه این شورا نیز در دولت حضور دارد. این شورا برای تصمیم گیری هیچ یک از فرایندهای بروکراتیک موجود در نظام تقنینی کشور را طی نمی کند و دارای اختیارات بی سابقه ای است. هیچ یک از ساز و کار های این شورا و مباحثات اعضاء شورا منتشر نشده است. به نظر می رسد شفاف شدن شورای هماهنگی به دلیل ماهیت اقتصادی و امنیتی هیچ مانع قانونی ندارد و مطالبات شکل های دانشجویی می توانند این موضوع را از دبیرخانه این شورا پیگیری کنند.

پاسخ تفصیلی :

اعضاء شورای هماهنگی عبارتند از

قوه مجریه

حسن روحانی - رئیس جمهور

اسحاق جهانگیری - معاون اول رئیس جمهور

محمود واعظی - رئیس دفتر رئیس جمهور

محمدباقر نوبخت - رئیس سازمان برنامه و بودجه

محمد نهاوندیان - معاون امور اقتصادی رئیس جمهور

مسعود کرباسیان - وزیر اقتصاد

محمدجواد ظریف - وزیر امور خارجه



سید عباس عراقچی - معاون وزیر امور خارجه و مذاکره کننده ارشد تیم هسته ای
 بیژن نامدار زنگنه - وزیر نفت
 عبدالناصر همتی - رئیس کل بانک مرکزی

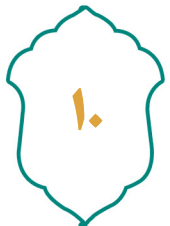
قوه قضائیه

آیت الله رئیسی - ریاست قوه قضائیه
 حجت الاسلام محسنی اژه ای - معاون اول قوه قضائیه
 حجت الاسلام منتظری - دادستان کل کشور

قوه مقننه

علی لاریجانی - رئیس مجلس شورای اسلامی
 کاظم جلالی - رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس
 غلامرضا تاجگردون - رئیس کمیسیون برنامه و بودجه
 محمدرضا پورابراهیمی - رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس

البته لیست فعلی لیست اعضاء شورا هستند که در جلسات شورا حضور دارند. تصمیم سازان این شورا سران سه قوه مجریه، قضائیه و مقننه هستند. تصمیماتی که در این شورا گرفته می شود هیچ یک از ساز و کارهای بروکراتیکی که در نظام تقنینی و اجرایی رایج است را طی نمی کند. تا پیش از تشکیل این شورا، تصمیمات بزرگ برای اداره کشور از مسیره‌های مصرح در قانون اساسی عبور می کرد؛ لوایح و طرح‌های دولت و مجلس، با تبدیل شدن به قانون پس از طی فرایندهای لازم، خطوط کلی سیاستگذاری کشور را ترسیم می کرد. در این بین، گاهی مجلس که نماد اراده عمومی است، طرح‌هایی برای بهبود امور کشور ارائه می داد و بدین ترتیب اراده عمومی را نمایندگی می کرد و گاهی هم در مقابل، مانع از تصویب لوایح دولت - که احتمال داشتند خلاف مصالح و منافع عمومی کشور باشند می شد. حتی اگر در مجلس به دلایلی ملاحظه‌ای صورت می گرفت که طرح یا لایحه‌ای خلاف قانون اساسی تصویب می شد، شورای نگهبان این مصوبات را با قانون اساسی مطابقت می داد و در صورت لزوم آن را به مجلس برمی گرداند. در چنین فرایندی هم نظارت بیشتری می شد، هم کار کارشناسی و هم نهادهای مختلف در هر مرحله از کار مسئولیتی داشتند که این مسئولیت می توانست آنان را در قبال اعمالشان متعهد کند. در واقع در چنین فرایندی اگر بخشی از نظام تصمیم ساز کشور به هر دلیل اشتباهی مرتکب می شد، این احتمال وجود داشت که بخش دیگر و در نهایت رهبری نظام آن را تصحیح کند. در شورای کنونی عالی اقتصادی، همه وزن نظام تصمیم ساز کشور در قالب این شورا قرار داده شده و رهبری نظام هم برای اینکه اعضای شورا با قدرت کار خود را انجام دهند، اعلام کرده اند که مصوبات





این شورا را مورد حمایت قرار می‌دهد.

شفافیت در شورای هماهنگی: متأسفانه هیچ صورت مشروحي از مذاکرات انجام شده در این جلسات در دسترس مردم و کارشناسان نیست. مذاکرات علنی مجلس شورای اسلامی طبق قانون -چون امر تقنین در نسبت با سرنوشت مردم است - از رادیو پخش می‌شود و مردم و کارشناسان می‌توانند در جریان استدلال‌ها و مجادلات مطرح شده در فرایند تصویب قانون قرار گیرند. اما این شورا که اساساً ماهیتی اقتصادی دارد و در نسبت مستقیم با زیست روزمره شهروندان است، در حاله‌ای از ابهام و پشت درهای بسته اقدام به تصمیم‌سازی برای مردم می‌کند. تشکل‌های دانشجویی و مجامع مردمی می‌توانند با ارسال نامه و فشار رسانه‌ای به «دبیرخانه شورای هماهنگی سران قوا» درخواست کنند تا مشروح مذاکرات جلسات شورا به صورت عمومی منتشر شود.

۳. آیا شورای هماهنگی و مصوبات آن نفی‌کننده مجلس و شورای نگهبان است؟

پاسخ اول

پاسخ اجمالی: نفی‌کننده است. این شورا تمامی ساز و کارهای دموکراتیک و مردم‌سالارانه جمهوری اسلامی را دور می‌زند.

پاسخ تفصیلی: براساس اصل ۷۴ قانون اساسی دولت باید لوایح قانونی خود را به مجلس شورای اسلامی ارسال کند و مجلس نیز طبق اصل ۹۴ قانون اساسی پس از بررسی‌های کارشناسی باید مصوبه را به شورای نگهبان بفرستد. طی کردن این فرایند برای تصویب هر قانونی که با زندگی ملت در ارتباط است ضروری است. شورای هماهنگی اقتصادی نه تنها این اصول را رعایت نکرده است، با طی کردن فرایند کاملاً غیر حقوقی و غیر قانونی از اساس اصل ۷۱ قانون اساسی را که طبق آن فقط مجلس «حق قانون‌گذاری» دارد را زیر پا گذاشته است.

پاسخ دوم

پاسخ اجمالی: با اینکه نفی‌کننده مجلس و شورای نگهبان است، ولی چون شرایط خاص کشور ایجاب می‌کند، چنین «نهاد فراقوه‌ای» تاسیس شد.

پاسخ تفصیلی: در شرایطی که کشور در وضعیت «جنگ اقتصادی» قرار دارد، تشکیل چنین نهاد فراقوه‌ای به صلاح ملت بوده است. طی کردن فرایندهای بروکراتیک بسیار زمان‌بر





است و ممکن است اختلافات موجود در درون نهادها و تاخیر در امر تصمیم گیری موجب خسارات جبران ناپذیر به کشور شود. تداوم اعتراض‌های مردم در مقابل مجلس و نهاد ریاست جمهوری یا فرمانداری‌های شهرستان‌ها نسبت به مسائلی چون ساماندهی موسسات غیرمجاز، نیمه‌تمام ماندن مسکن مهر، مشکلات تولیدکنندگان و کارگران کارخانجات تعطیل شده، اعتصابات صنفی و مسائلی از این دست از جمله موضوعاتی که است نیاز به هماهنگی بین قوا داشته و با همکاری مشترک قابل مدیریت خواهد بود. در واقع به علت شرایط خاص و اهمیت موضوع اقتصاد، سیاستگذاری اقتصادی به یک سطح بالاتر از دولت واگذار شده است. البته باید دقت شود از یک سو اعمال تحریم‌های ظالمانه از سوی آمریکا، عملکرد ناکارآمد تیم اقتصادی دولت و ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی به ریاست معاون اول رئیس جمهور در این زمینه بی‌تاثیر نبوده است. به همین سبب همانند دوران جنگ که امام نه تنها «شورای عالی پشتیبانی جنگ» را تاسیس کردند، بلکه اختیارات ویژه‌ای نیز بدان تفویض کردند، رهبر انقلاب نیز مجوز تاسیس «شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا» را صادر کردند.

پاسخ سوم

پاسخ اجمالی: شان «حکم حکومتی» و «تحت امر ولی مطلق فقیه بودن قوا» بالاتر از مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان است. اساساً هم مجلس و هم شورای نگهبان اعتبار حقوقی خود در قانون اساسی را از ولی فقیه اخذ میکنند.

پاسخ تفصیلی: در اصل ۵۷ قانون اساسی می‌خوانیم «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند». دقت شود که بخش اخیر این اصل، یعنی جمله «طبق اصول آینده این قانون» ناظر به اعمال قوای سه‌گانه است که چگونگی اجرا و اعمال این قوا مطابق قانون اساسی است و نه ولایت مطلقه امر. اگر این بخش مربوط به ولی فقیه بود، اصل ولایت مطلقه امر، بی‌معنی شده و از اساس نفی می‌گردد. علاوه بر اصل ۵۷، در اصل ۱۱۰ نیز حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، بر عهده رهبری قرار داده شده است. (بند ۸). طرق عادی همان طرق قانونی و احکام اولیه است. این تعبیر بیانگر اختیارات حکومتی است و اگر اصل اختیارات حکومتی حاکم پذیرفته نشده باشد، حل معضلات ممکن نخواهد بود. تجربه اعمال این حکومت برای حل معضلات و تأمین مصالح عامه مردم به وسیله امام



راحل در طول ده سال حکومت، سبب شد که مجلس بازنگري قانون اساسی بعد از بحث فراوان این امر را در قانون اساسی تصریح کند.

از سوی دیگر تمامی مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به تائید شورای نگهبانی برسد که اعضاء آن را ولی فقیه منصوب میکند. پس بر این اساس مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان قانون اساسی اعتبار حقوقی-فقهی خود را از ولی فقیه اخذ میکنند.

۴. اگر بپذیریم شورای هماهنگی اقتصادی دور زدن مجلس و شورای نگهبان است (که نمود عملی و ظاهری آن بدین گونه است) آیا این به معنای عبور از مردم سالاری و دیکتاتوری نیست؟ آیا این به معنای حکومت ۴ نفر بر ملت یا حکومت شاهی یک نفر بر مردم نیست؟

پاسخ اول: قطعاً این گونه است. مجلس شورای اسلامی مهم ترین وجه دموکراتیک جمهوری اسلامی است. از آغاز مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی اصلی ترین دغدغه نخبگان سیاسی ایرانی این بوده که قانون در کشور از اراده عمومی ملت برخیزد و نه یک یا چند شخص. تاسیس شورای هماهنگی اقتصادی خلاف اصل ۷۱ قانون اساسی است و نه تنها مجلس شورای اسلامی که شورای نگهبان قانون اساسی را نیز زیر پا میگذارد.

پاسخ دوم: تشکیل چنین شوراهایی در شرایط «بحران» مسبوق به سابقه است. در زمان جنگ تحمیلی، حضرت امام(ره) با وجود آنکه «شورای عالی دفاع» در قانون اساسی تعریف شده و از اختیارات مناسبی ذیل اصل ۱۱۰ برخوردار بود، اما به جهت آنکه جنگ را در آن زمان در رأس امور می دانستند با ابتکار اقدام به تشکیل «شورای عالی پشتیبانی جنگ» نمودند که ظاهراً هم در قانون اساسی یا قوانین عادی تعریف نشده بود اما ایشان، اختیارات زیادی را به آن شورا تفویض کردند، درحالی که در پاسخ به نامه رئیس وقت این شورا، مصوبات آن ولو با قانون تطابق نداشته باشد را تا پایان جنگ برای همه دستگاهها لازم الاجرا اعلام نمودند. رهبر انقلاب نیز با توجه به وضعیت اضطراری کشور و مشکلات موجود با تشکیل این شورا موافقت نمودند.

از سوی دیگر در کشوری مانند آمریکا نیز فرمان اجرایی به رسمیت شناخته شده است. در آمریکا فرمان های اجرایی وقتی از یک قدرت تقنینی که مستقیماً به وسیله قانون اساسی به قوه مجریه داده شده باشد یا براساس لوایح کنگره که صریحاً درجه ای از قدرت احتیاطی را به رئیس جمهور داده باشد، دارای نیروی کامل قانونی می شوند؛ «فرمان های اجرایی بر



امور داخلی حکومت اثرگذاری شایان توجهی دارند، و تعیین می‌کنند قوانین چگونه و تا چه حدی اعمال شوند، چگونه با مواقع اضطراری مواجه شد، و جنگ اعلام کرد و به طور کلی جزئیات انتخاب‌های سیاست‌گذارانه را هنگام اجرای قوانین موضوعه کلی تعیین می‌کنند « آیا فرمان اجرایی در آمریکا به معنای دیکتاتوری و استبداد است؟ تمامی کشورها سازوکارهایی تدارک دیده اند که در شرایط بحران برای تسریع در رسیدگی به امور چارچوب بروکراتیک و حتی دموکراتیک را به صورت موقت «محدود» کنند. و این به معنای دیکتاتوری نیست. مجلس شورای اسلامی هم منعی برای ارائه طرح دو یا سه فوریتی برای ابطال مصوبات شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا ندارد.

۵. اگر شورای هماهنگی اقتصادی بر اساس حکم حکومتی است، جایگاه حکم حکومتی و نسبت آن با قانون گذاری مجلس چیست؟

پاسخ اول

حکم حکومتی در تعارض با امر قانون گذاری در مجلس است. مطابق اصل ۷۱ «مجلس شورای اسلامی در عموم مسایل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند». تشخیص تطبیق مصوبات مجلس با قانون اساسی و قوانین شرعی نیز مطابق اصل ۹۶ بر عهده شورای نگهبان است. گرچه نیمی از اعضای شورای نگهبان منصوب رهبر هستند و نیمی دیگر را رئیس منصوب او در قوه قضائیه به مجلس معرفی می‌کند، نمایندگان می‌توانند نظر این شورا درباره تطبیق مصوبات را نپذیرند. در هیچ جایی از قانون اساسی نیز سخنی از مفهوم حکم حکومتی به میان نیامده است.

پاسخ دوم

اولاً صدور حکم حکومتی شروطی دارد :

۱. محدود به موضوع خاص است.
 ۲. براساس ضرورت و مصلحت است.
 ۳. محدود به زمان است. بدین معنا که هرگاه ضرورت و مصلحت مرتفع شود حکم حکومتی بطور اتوماتیک رفع خواهد شد.
- ثانیا :

۱. حکم حکومتی نشئت گرفته از قانون اساسی و رویه عملی است، با این که صراحتاً در اصول ۱۱۰، ۵۷ و ۱۱۲ قانون اساسی عنوان حکم حکومتی نیامده است، ولی تمامی این



اصول دال بر «مفهوم حکم حکومتی» دارند. (توضیحات مفصل در پاسخ سوال ۱ و ۳ ارائه شده است)

۲. قانونگذاری مجلس در موارد عادی و معمولی است و حال اینکه حکم حکومتی در موارد ضروری است.

۳. همچنین در قانونگذاری توسط مجلس اصل بر دوام و استمرار قانون است و حال اینکه حکم حکومتی موقت است.

۴. قانون وضع شده در مجلس نوعاً شامل مصادیق متعدد میشود ولی حکم حکومتی نوعاً محدود به یک موضوع خاص است.

۶. ساز و کار پاسخگویی مسئولین در مواردی مانند برجام که هزینه ها و خسارات ملی و اعتباری به کشور وارد میکنند چیست؟

پاسخ اول

با توجه به این که ساز و کار عملی در دهه های اخیر برای پاسخگو کردن مسئولین جواب گو نبوده است، پس باید از همان ابتدا و در «صندوق رای» انتخاب درستی داشت.

پاسخ دوم

پاسخ اجمالی: مهم ترین و کارآمدترین ابزار برای پاسخگو کردن دولت مقابل مردم، «مجلس شورای اسلامی» است. نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی با استفاده از حق تحقیق و تفحص، تذکر، سوال و استیضاح -حتی استیضاح رئیس جمهور- می توانند دولت را پاسخ گو کنند و اگر این روند پاسخ گو نبود، طرح عدم کفایت رئیس دولت را کلید بزنند. نمایندگان مجلس برای تسریع در امور می توانند با استفاده از ابزار جنبش های مردمی و دانشجویی، رسانه ها و مطبوعات فضای سیاسی کشور را برای پاسخ گو کردن دولت آماده کنند.

پاسخ تفصیلی: در قانون اساسی، قوه مقننه علاوه بر نظارت بر شروع کار قوه مجریه، حق نظارت بر ادامه کار و تصمیمات و تصویبات آن را نیز دارد، ضمانت اجرای نظارت بر فعالیت قوه مجریه متنوع و از نوع سیاسی است یعنی در صورت انحراف هر یک از وزرا یا رئیس جمهور از وظایف و سیاست های کلی، مجلس اقدام به عزل وزرا و یا اعلام عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور می نماید. ابزارهای مجلس برای کنترل قوه مجریه عبارت



است از:

۱. اصل نود (شکایات مردم از قوای حاکم به مجلس)

به موجب اصل ۹۰ قانون اساسی مردم می توانند از قوای سه گانه به مجلس شکایت کنند و دستگاه های مورد شکایت نیز مکلف به پاسخ گویی می باشند. البته این اصل ابزار اختصاصی نظارت مجلس بر تمام قواست و منحصر به وسیله و ابزار کنترل بر قوه مجریه نیست. در راستای اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی کمیسیونی به همین نام در مجلس تشکیل گردید تا به شکایت مردم از طرز کار تمامی واحد های تابعه قوای سه گانه رسیدگی کند و چنانچه عمل دستگاه مشتکی عنه جرم باشد، طبق قانون اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی، کمیسیون مذکور از دادگاه صالح تقاضای رسیدگی خارج از نوبت خواهد نمود.

۲. تحقیق و تفحص

به موجب اصل ۷۶ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد، در واقع این اصل با بیان این حق بنیادی برای مجلس به دفاع از شهروندان در برابر قدرت پرداخته است. نهاد های قدرت مدار ممکن است با سوء استفاده از قدرت اعطایی به نقض حقوق و آزادی های شهروندان پردازد. به همین سبب باید روشی قانونی و البته الزام آور وجود داشته باشد تا نمایندگان مردم در مجلس بتوانند با کسب اطلاع از فعالیت های اجزاء قدرت ضمن پاسداری از حقوق مردم از انحراف مسئولین از وظایف خود جلوگیری نماید.

۳. تذکر

یکی دیگر از اقدامات کنترلی نمایندگان مجلس در خصوص اعمال رئیس جمهور یا وزرا تذکر است. به موجب ماده ۱۹۲ آیین نامه داخلی مجلس، نمایندگان می توانند در خصوص موضوع مورد نظر به رئیس جمهور و وزیر مسئول کتبا تذکر دهند. در این صورت رئیس مجلی تذکر را به رئیس جمهور و یا وزیر مربوط ابلاغ و خلاصه آن را در اولین جلسه علنی آتی مجلس عنوان می نماید.

۴. سؤال

از دیگر ابزارهای قانونی کنترل قوه مجریه توسط مجلس سؤال است، به موجب اصل ۸۸ قانون اساسی هر نماینده حق دارد از هر یک از وزرا درباره وظایف آنها سؤال کند، همچنین حداقل یک چهارم کل نمایندگان حق دارند در خصوص وظایف رئیس جمهور طرح سؤال نمایند. در واقع سؤال روش مناسبی است که پس از ارایه تذکر و عدم حصول نتیجه می توان مقام اجرایی را مکلف به تامین نظر مجلس نماید. همچنین در صورتی که سؤال کننده با پاسخ وزیر قانع نشود، به موجب ماده ۱۹۴ آیین نامه داخلی مجلس به تقاضای سؤال



کننده، رئیس مجلس موضوع را به کمیسیون تخصصی مربوطه ارجاع می نماید، کمیسیون نیز به طرق مقتضی در خصوص موضوع رسیدگی و گزارشی را در این خصوص تنظیم و نهایتاً در جلسه علنی مجلس قرائت می نماید.

۵. استیضاح

استیضاح را می توان شدیدترین حالت نظارت و کنترل نمایندگان بر قوه مجریه تلقی نمود، زیرا پس از طرح استیضاح مجلس در خصوص ادامه کار یا عزل وزیر و یا عدم کفایت رئیس جمهور حسب مورد و طبق اصل ۸۹ قانون اساسی تصمیم گیری می کند. البته طرح استیضاح الزاماً پس از تذکر یا سؤال مطرح نمی شود و می توان ابتدا به ساکن استیضاح را مطرح نمود. با توجه به اینکه استیضاح وزرا با رئیس جمهور شرایط و نتایج متفاوتی دارد هر یک از آنها را جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم.

۱-۵ استیضاح وزیر یا هیات وزیران

هر یک از وزرا از دو جهت در برابر مجلس مسئول و پاسخگو هستند، یک وزیر هم مسئول وظایف خاص خودش است و هم مسئول مصوبات هیات دولت، در واقع یک وزیر هم دارای مسئولیت فردی است و هم دارای مسئولیت جمعی ناشی از اقدامات و تصمیمات هیات وزیران، به همین سبب است که اصل ۱۳۷ قانون اساسی وزیران را در برابر مجلس و رئیس جمهور مسئول اعمال خود و نیز در اموری که به تصویب هیات وزیران می رسد مسئول اعمال دیگران نیز دانسته است. طبق ماده ۸۹ قانون اساسی استیضاح وزیران در صورتی امکان پذیر است که با امضای حداقل ۱۰ نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود، در این صورت هیات وزیران یا وزیر مورد استیضاح با ظرف مدت ۱۰ روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رای اعتماد بخواهد.

۲-۵ استیضاح رئیس جمهور

مجلس می تواند شخص رئیس جمهور را نیز استیضاح نماید و به وی رای عدم کفایت سیاسی بدهد. البته این حق اعطایی به مجلس که در اصل ۸۹ قانون اساسی آمده است اگرچه سبب ارتقا جایگاه مجلس می شود اما می توان گفت اصل تفکیک قوا را نیز تا حدی مخدوش نموده است زیرا در بسیاری از نظام های حقوقی، اگر قوه مقننه حق استیضاح و برکناری مقامات قوه مجریه حتی در بالاترین سطح آنرا دارد رئیس جمهور نیز در شرایط معینی توانایی و اختیار انحلال پارلمان را داراست و بدین طریق اختیارات این دو قوه تعدیل می شود اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قوه مجریه هیچ ابزاری جهت کنترل یا تعدیل این قدرت چشمگیر مجلس ندارد. اما استیضاح رئیس جمهور با وزرا و هیات وزیران متفاوت است، برای استیضاح رئیس جمهور باید حداقل یک سوم از نمایندگان



مجلس متقاضی استیضاح باشند، همچنین رئیس جمهور یک ماه فرصت دارد تا خود را برای پاسخگویی آماده کند، چنانچه دفاع رئیس جمهور برای مجلس قانع کننده نباشد، باید حداقل دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رای دهند تا مقدمات عزل رئیس جمهور توسط مقام رهبری فراهم شود.

پاسخ سوم

تنها راه پاسخ گو کردن مسئولین «فعال شدن ظرفیت گروه های مردمی» است. حوزه های علمیه، جنبش دانشجویی از جمله مهم ترین جریان های مردمی در کشور است که می تواند دولت و نهادهای حکومتی را پاسخگو کند. توانایی قشر دانشجو در ایجاد تحولات گسترده اجتماعی و جهت دهی خواسته های عمومی، بر این حقیقت ناظر است که رفتارهای سیاسی-اجتماعی جنبش دانشجویی به مثابه وجه غالب حضور دانشجویان در جامعه، یکی از عناصر اصلی وضعیت اجتماعی و سیاسی کشور محسوب می شود. دانشجویان نیز به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه جوامع، نیازمند مطالعه دقیق و کارشناسی جامع رفتارهای گروهی و دولت ها و متعاقباً اعمال مدیریت صحیح در فعالیتهای آنان می باشند.

۱. برگزاری نشست های تخصصی با حضور کارشناسان
۲. مناظرات بین گروه های مختلف سیاسی
۳. ارسال نامه های مطالبه گرانه به نهادهای دولتی و درخواست پاسخ گویی
۴. دعوت از نمایندگان مجلس برای بررسی کارشناسی و ارائه راهکار به آن ها
۵. روشنگری بین گروه ها و اقشار مختلف مردم
۶. ارتباط گیری با رسانه ها و ایجاد جو رسانه ای علیه فساد
۷. افشاکاری قانونمند فساد مسئولین
۸. برگزاری تجمعات قانونی در دانشگاه یا بیرون از دانشگاه
۹. تربیت دانشجویی مطالبه گر برای نسل های بعد
۱۰. تقویت روحیه پرسش گری از مسئولین

پاسخ چهارم

پاسخ اجمالی: رسانه ها و مطبوعات امروزه از جمله ابزارهای هستند که به عنوان واسطه بین مردم و دولت می توانند دولت را پاسخ گوی عملکرد خود مقابل مردم کنند. اگر قدرت رسانه در جامعه به قدری زیاد باشد که بتواند گفتمان حاکم بر جامعه را تغییر دهد، دولت ها مجبور می شوند از رسانه «خوف» داشته باشند و این معجزه رسانه در دنیای امروز است.



بسیاری معتقدند این موضوع باعث تقویت «مردم سالاری» می شود. پاسخ تفصیلی: از آنجایی که دسترسی به توده مردم تنها از طریق وسائل ارتباط جمعی مثل مطبوعات و رادیو- تلویزیون امکان پذیر است، این رسانه ها در جوامع امروزی نقشی محوری ایفا می کند. اما در نظام های دموکراتیک، رسانه ها وظیفه ای مهمتر از تبدیل شدن به مجرای صرفا برای تبلیغات دولتی بر عهده دارند. وظیفه این رسانه ها زیر سوال بردن عملکرد های دولت، آگاهی دهی به مردم، تامین تریبونی آزاد برای بحث های سیاسی و فعالیت به عنوان مجرای برای ابلاغ افکار عمومی به دولت و اعمال فشار عمومی بر آن است. عملکرد رسانه ها در جهت زیر سوال بردن دولت و اطلاع رسانی به مردم، برای مبارزه با تمایل دولت به پنهان کاری و متوازن کردن حجم ماشین روابط عمومی آن ضرورت دارد. دولت تنها زمانی می تواند دولتی پاسخگو تلقی شود که مردم از عملکرد آن آگاه باشند و وسیله ای مستقل و غیر وابسته برای ارزیابی ادعاهای رسمی دولت در مورد سیاست هایش در دسترس داشته باشند. رسانه ها در عین حال که نباید وارد محدوده زندگی خصوصی مردم شوند، وظیفه دارند که اطلاعات کافی و تصویری کلی از منافع عامه را در اختیار مردم بگذارند و مردم نیز حق دارند که به آن ها دست یابند. در غیر این صورت، رسانه ها از ایفای نقش خطیر خود به عنوان نگهبان منافع عمومی ناتوان می مانند. رسانه ها علاوه بر انتقال اطلاعات از مجاری غیر دولتی، زمینه تشکیل تریبونی آزاد برای مناظره عمومی را نیز فراهم می کنند که وزیران و سایر شخصیت های دولتی باید از آن طریق جوابگوی سوالات باشند به نحوی که این پاسخ ها در اختیار توده مخاطب قرار گیرد. به این ترتیب وسیله ای برای انتقال افکار عمومی به دولت نیز فراهم می شود. در تمامی این حالات، رسانه ها با وارد ساختن مردم به صحنه، به عنوان مکمل و تقویت کننده پارلمان در انجام وظیفه بررسی و بازبینی عملکرد دولت ظاهر می شوند.

پاسخ پنجم

فعال کردن دستگاه های نظارتی



۷. شیوه و روش اعتراض قانونی چیست؟ آیا تاکنون شده است دولتی به اعتراض های مدنی که از دولت مطالبه دارد مجوز بدهد؟

پاسخ اول

نظام جمهوری اسلامی در طول چهل سال گذشته علاقه‌های به برگزاری اجتماعات اعتراضی نداشته است و هرگونه صدای اعتراضی را سرکوب کرده است. با این که در اصل ۲۷ قانون اساسی بر «حق تشکیل اجتماع اعتراضی» تصریح شده است، ولی چنان که قابل پیش‌بینی است و مشهود، مستقل از کیفیت قوانین، فاصله میان قانون و آنچه روی کاغذ ثبت شده تا آنچه در عمل اجرا می‌شود، کم نیست. این نهادهای امنیتی - اطلاعاتی هستند که بسته به محتوای راهپیمایی و ترکیب معترضان و متحصنان، به گردهم‌آیی‌ها اجازه برگزاری می‌دهند یا از انجام آن جلوگیری می‌کنند. و باز قابل حدس است که نگاه مجریان، بیش از آن که به جانب منافع جامعه باشد، به سوی مصالح حکومت است. طی سال‌های گذشته به ندرت مجوزی برای راهپیمایی‌ها و تجمع‌ها صادر شده است. نه به خاطر این که مکانی برای گردهمایی‌های مسالمت‌آمیز وجود ندارد، بلکه برای برگزاری تظاهرات بدون خشونت، روی خوش نشان داده نمی‌شود و برخی مواقع با تجمع‌های صنفی به شدت برخورد می‌شود. از جمله این موارد می‌توان به برخورد با کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه و نیز حمله گارد ضد شورش به کارگران کارخانه‌های هپکو و آذراب در اراک اشاره کرد.

پاسخ دوم

اصل ۲۷ قانون اساسی تصریح دارد «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است». اما اجرای این طرح همواره با مشکلاتی مواجه بوده است:

۱. ایجاد مشکل امنیتی از سوی افراد سودجو و به خشونت کشاندن اجتماعات مردمی
۲. نبود ساز و کار مردمی منسجم برای تجمع
۳. مشخص نبودن نیاز یا عدم نیاز به مجوز وزارت کشور (طبق مباحثات مجلس و شورای نگهبان)
۴. نبود محلّ مشخص برای اعتراضات مردمی
۵. منفعل بودن احزاب سیاسی



پاسخ سوم

بعضی معتقدند «اعتراض قانونی یعنی انتقاد از دولت در عین حمایت از نظام». این گروه معتقدند افرادی که اعتراض قانونی می کنند به ساز و کارهای قانونی کشور اعتقاد دارند و دست به تخریب اموال عمومی نمی زنند. مردم باید از طریق نمایندگان مجلس که با رای خود آن ها انتخاب شده اند اعتراض خود را به گوش دولت مردان برسانند. روش دیگر این است که مردم می توانند با ائمه جمعه دیدار کنند و اعتراضات خود را به آن ها برسانند. این موارد تنها راهکارهای قانونی است که در حال حاضر در اختیار مردم قرار دارد.

پاسخ چهارم

گروه های مردمی اگر ضابطه مند شوند و وجهه تشکیلاتی پیدا کنند، می توانند از وزارت کشور برای اجتماعات مجوز اخذ کنند. وزارت کشور ۳۰ آبان ۹۸ اعلام کرد «در یک سال گذشته ۳۳۱ تجمع و راهپیمایی با استفاده از این ساز و کار در سراسر کشور برگزار شده است».

گیر سوال : اگر ساز و کارهای قانونی جواب ندهد به تجمع مدنی می رسیم.



سوالات اختصاصی مربوط به طرح سهمیه بندی بنزین

سوالات ناظر به روند قانونی

۱. آیا این سازمان توان نظارت و کنترل افزایش قیمت ها را دارد؟ آیا می توان در امر نظارت بر قیمت ها بر اساس مدل سوت زن ها از ظرفیت مردم استفاده کرد؟ در این صورت راهکار قانونی مشروعیت بخشی به این ظرفیت چیست؟ اگر مردم ناظر بر بازار شوند آیا این قراردادن مردم در مقابل مردم نیست؟

با توجه به اشکالات فراوان وارده به طرح، آیا مطالبه تغییر طرح سهمیه بندی بنزین به معنای مخالفت با رهبری است؟

پاسخ اول

به نظر می رسد در وضعیت فعلی کشور تنها راه جبران کسری بودجه همین طرح سهمیه بندی بنزین باشد. به همین سبب نیز رهبری تغییر مطالبه این طرح را به صلاح ندیدند.

پاسخ دوم

رهبری با مفاد و جزئیات طرح موافقت نکردند، به همین سبب کار کارشناسی و حتی مطالبه ابطال این طرح مخالفت با رهبری محسوب نمی شود. ایشان فقط طرح را چون مورد تأیید سران سه قوه و شورای عالی هماهنگی اقتصادی بود، مورد تأیید خود دانستند و این به معنای موافقت با جزئیات طرح نیست. همان طور که تصریح نمودند «بنده کارشناس نیستم».

پاسخ سوم

حتی اگر این مطالبه به معنای مخالفت با رهبری تلقی شود، باید پیگیری لغو مصوبه شورای هماهنگی اقتصادی ادامه یابد. تشخیص ما این است که این طرح «ظلم» به مردم است؛ درحالی که دولت می توانست کسری بودجه خود را از منابع مالیاتی و... تامین کند، اقدام به تامین آن از جیب مستضعفین کرد.

پاسخ چهارم

اکنون که تب و تاب اغتشاشات خوابیده و خطر از بیخ گوش کشور گذشته است، به نظر



می‌رسد اگر گروه‌های کارشناس انقلابی و نمایندگان مجلس، با اقدامات کارشناسی طرح دولت را لغو کنند، رهبری نیز مشکل چندان‌ی با آن نداشته باشد. تصمیم‌گیری ایشان در مورد این موضوع مربوط به «شرایط ویژه» ای بود که پس از اطلاع رسانی و اجرای نادرست این طرح می‌باشد.

سوالات ناظر به اعتراضات میدانی

۱. مسئولیت رهبری در قبال این اتفاقات چیست؟ رهبری با موافقت خود با این طرح، مسئول این کشته‌هاست، آیا پاسخگوی این کشته‌ها هست؟ آیا از عدالت ساقط نیست؟

پاسخ اول

تصمیم سران سه‌قوه برای افزایش قیمت بنزین در «شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا» گرفته شد، شورایی که به دستور مستقیم آیت‌الله خامنه‌ای و علیرغم اکراه رییس‌جمهور حدود یک سال و نیم پیش تشکیل شد. پس مسئولیت تمامی اتفاقات اخیر بر عهده ایشان است.

پاسخ دوم

پاسخ اجمالی: رهبری پیشنهاد دهنده این طرح نیست و صرفاً از تصمیمی که سران قوا گرفته‌اند، آن هم به خاطر مصالح ملی حمایت کرده‌اند.

پاسخ تفصیلی: ایشان در صحبت‌های خودشان اصل تصمیم را به نظر کارشناسی و سران قوا (از جمله مجلس) منسوب می‌کنند ولی می‌فرمایند حالا که تصمیم گرفته شد من حمایت می‌کنم. نکته آن است اصل این روش که یک تصمیم دولت و قانون با اعتراض‌های خیابانی و اغتشاش به راحتی تغییر بکند یک بدعت خطرناک است، اگر این اتفاق می‌افتاد و بر اساس این اعتراض‌های کف‌خیابان طرح دولت تغییر می‌کرد یا مجلس وارد می‌شد و طرح را تغییر می‌داد از این به بعد سنگ روی سنگ بند نمی‌شد، برای هر قضیه‌ای که عده‌ای مخالف بودند اعتراض خیابانی به پا می‌شد با هر جمعیتی و هر خواسته‌ای، در انتخابات و مسائل دیگر نظام این مساله پیش می‌آمد، در کشورهایی در دنیا هم هستند که با اعتراض‌های کف‌خیابان تصمیم‌ها تغییر می‌کند. رهبری شجاع برای حفظ نظام



در آینده و شروع نشدن یک بدعت و فتنه جدید احساس تکلیف می کنند، علی رغم تصمیم و اجرای بسیار اشتباه دولت، اصلاً موج سواری نمی کنند (موج سواری از این اشتباه دولت و اعتراض مردم)، خودشان وارد موضوع می شوند، هزینه می کنند و از تصمیم نمایندگان و منتخبان قانونی همین مردم دفاع می کنند. (مهدی طائب)

پاسخ سوم

پاسخ اجمالی: رهبری با این حمایت خود از «سقوط دولت» که عواقب بسیار ناگواری برای امنیت ملی داشت، جلوگیری کردند.

پاسخ تفصیلی: در حالیکه محبوبیت رئیس جمهور و دولت به صفر میل می کند، تحمل بار ناشی از تصمیم اخیر محال به نظر می رسد. درست زمانی که مجلس و برخی ارکان دیگر نظام در تدارک تجدیدنظر در این تصمیم بودند، رهبری آنرا بدون بازگشت اعلام کردند. بازگشت از این تصمیم چه به دلایل اقتصادی و چه سیاسی می توانست به کلی ساختار دولت را دچار فروپاشی و اضمحلال کند و ظاهراً رهبری باقی بودن دولت ضعیف و بی قواره را بهتر از فروپاشی کامل آن و در واقع بهتر از «بی دولتی» دانسته اند. لذا سهم تقصیر دولت را به سران قوا تقسیم کردند. به خصوص اینکه زوال اخلاق سیاسی در برخی دولتمردان، احتمال رفتارهای پرهزینه تری را تقویت می کند. (یامین پور)

۲. مسئول خسارت های اخیر چه کسانی هستند؟ پاسخگوی اتفاقات اخیر چه کسی است؟ شیوه قانونی مطالبه از قاصران و مقصرین خسارات اخیر چه کسی است؟ سران شورای هماهنگی چه پاسخی دارند و چگونه وادار به پاسخگویی می شوند؟ چگونه پاسخ خسارت های اخیر را خواهند داد؟

پاسخ اول

مسئولیت خسارتهای اخیر مستقیماً با رهبری است. از یک سو این شورا که اساساً غیر قانونی است، با «حکم حکومتی» ایشان تشکیل شده است و از سوی دیگر اگر ایشان با مصوبه شورای عالی هماهنگی مخالفت نمی کردند، مجلس با تصویب طرح دو و سه فوریتی قیمت بنزین را به حالت اولیه بازمیگرداند و اعتراضات مردم نیز فروکش میکرد.

پاسخ دوم

شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا باید پاسخگوی اتفاقات اخیر باشد. تصمیم اخیر محصول اراده هر سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه است. در واقع اکنون تمامی ارکان حاکمیت مقابل «اراده ملی» قرار گرفته‌اند. این شورا تحت نظر مستقیم رهبری است و فقط پاسخگوی ایشان است.

پاسخ سوم

با توجه به اینکه قبل از تصمیم‌گیری در مورد افزایش قیمت بنزین، دولت لایحه این موضوع را تقدیم مجلس کرده بود و مجلس نیز مخالفت خود را اعلام کرده بود، پس اساساً چنین تصمیمی تصمیم دولت است که از طریق اراده فرانهادی شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا، آن را به سایر قوای حاکمیتی تحمیل کرده است. مجلس می‌تواند در این موضوع دولت را پاسخگو کند و حتی قیمت بنزین را نیز تغییر دهد.

پاسخ چهارم

آنچه موجب خسارت‌های فراوان در اغتشاشات اخیر شد، شیوه اشتباه ابلاغ و اجرای این مصوبه بود. صدا و سیما، دبیرخانه شورای هماهنگی سران قوا و وزارت کشور مسئول این اشتباه هستند.

پاسخ پنجم

دشمنان جمهوری اسلامی ایران از ماه‌ها پیش برنامه‌هایی برای ایجاد آشوب و اغتشاش در ایران داشتند. اگر قیمت بنزین حتی به مقدار بسیار اندکی نیز افزایش می‌یافت این آشوب‌ها اتفاق می‌افتاد. پس اساساً انتقاد به شیوه اجرا نیز نابخاست.

۳. اگر کسی دچار خسارت مالی شد، از چه طریق باید خسارت خود را جبران کند؟ چه کسی خسارت او را تامین میکند؟

افرادی که در این آشوب‌ها و اغتشاش‌ها آسیب و خسارت مالی به آن‌ها وارد شده است، با مراجعه به کمیته ویژه‌ای که در معاونت سیاسی - امنیتی استانداری هر استان و هم‌چنین فرمانداری‌های شهرستان‌ها تشکیل شده است، می‌توانند مبلغی را به عنوان خسارت دریافت نمایند. متأسفانه شرکت بیمه هیچ‌یک از این خسارت‌ها را پوشش نمی‌دهد.



۴. با توجه به اعتراضات مراجع عظام و درخواست آنها مبنی بر مخالفت با طرح سهمیه بندی بنزین، و مخالفت حضرت آقا با نظر ایشان، آیا این به معنای مخالفت مراجع با ولایت فقیه یا مخالفت ولایت فقیه با مردم نیست؟

پاسخ اول

اختلاف نظر مراجع تقلید و رهبری مسئله ای رایج است.

پاسخ دوم

به نظر می رسد مراجع تقلید در تشخیص منافع ملی «بصیرت سیاسی» رهبری را پیدا نکرده اند. ایشان با حمایت خود از تصمیم سران قوا کشور را از فاجعه و گسستی عظیم نجات دادند و مراجع تقلید پس از فرمایشات رهبری متوجه این موضوع شدند.

پاسخ سوم

شان و موقعیت مراجع تقلید ایجاب می کند نتوانند به صورت «آنی» درک سیاسی-امنیتی قوی از امور داشته باشند. رهبر انقلاب با توجه به موقعیت ایشان بر امور «اشراف» کامل دارند. محتمل است مراجع محترم تقلید نیز پس از اعلام موضع رهبر انقلاب، در مواضع خود تجدید نظر کرده باشند.



27

